

عقل اثر بخش و

زیادگی اثرمند

دکتر محمد علی نویدی

سرشناسه	:	۱۳۴۲-نویدی، محمدعلی،
عنوان و نام پدیدآور	:	/ محمدعلی نویدی، عقل اثربخش و زندگی اثرمند
مشخصات نشر	:	، ۱۳۹۵. تهران: دایره دانش
مشخصات ظاهری	:	مصور، جدول، نمودار. ۲۸۵ص.
شابک	:	9786007111505: ۱۷۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	اندیشه و تفکر
موضوع	:	Thought and thinking
موضوع	:	عقل
موضوع	:	Reason
موضوع	:	عقل گرایی
موضوع	:	Rationalism
رده ی کنگره	:	BF۴۴۱/ن۹ع۷ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	:	۱۵۳/۴۲
شماره کتاب در خط	:	۴۵۵۶۰۳۶



عقل اثربخش و زندگی اثرمند

نویسنده	:	نویدی، محمدعلی
مدیر نشر	:	حامد جمالی نسب
صفحه آرایی و طراحی	:	علیرضا دارستانی فراهانی
نوبت چاپ	:	اول - ۱۳۹۵
تیراژ	:	۵۰۰
قیمت	:	۱۷۵۰۰۰ ریال
شابک	:	۹۷۸۶۰۰۷۱۱۱۵۰۵

دفتر فروش، تهران- خیابان انقلاب- روبروی تربیت بدنی دانشگاه تهران - جنب بانک صادرات-
کتابفروشی محسن

تلفن: ۶۶۴۹۳۶۶۲ - ۰۹۱۲۳۷۷۶۸۸۰

کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است؛ مطابق با قانون حقوق مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ محفوظ و متعلق به انتشارات دایره دانش می باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

فهرست مطالب

۱۱.....	پیش گفتار
۱۶.....	عقل اثر بخش را ادب ...
۲۰.....	عقل اثر بخش و ادب زندگی
۲۴.....	نقش عقل علت شناس در زندگی
۲۸.....	عقل عامل ساز و زندگی اثر بخش
۳۱.....	عقل کاشف حق در زندگی
۳۶.....	عقل و حق به مثابت بنیان زندگی
۳۹.....	عقل کاشف حق در زندگی
۴۲.....	عقل کاشف حق در زندگی
۴۴.....	عقل کاشف حق در زندگی
۴۷.....	عقل کاشف حق در زندگی
۵۰.....	عقل اثر بخش و پرسش اثر گذار
۵۳.....	عقل اثر بخش و پرسش اثر گذار
۵۶.....	عقل اثر بخش و پرسش اثر گذار آثار پرسش
۵۹.....	عقل اثر بخش و پرسش اثر گذار پرسش اثر گذار و زندگی
۶۲.....	عقل عاقبت اندیش و زندگی عاقبت به خیر
۶۵.....	عقل عاقبت اندیش و زندگی عاقبت به خیر
۶۸.....	اندیشه سامان بخش و جامعه سامان مند
۷۱.....	عقل فرصت شناس و عمل فرصت ساز
۷۵.....	نقش عقل در تولید و مدیریت فرصت ها
۷۹.....	عقل حرفه ای، حاجت حرفه ها
۸۳.....	عقل تأسیسی و عقل تقلیدی
۸۷.....	علم تحقیقی و علم تقلیدی
۹۰.....	چشم عقل و چشمه زندگی

۹۴	عقلانیت و عصبانیت
۹۷	پالایش خشم و والایش زندگی
۱۰۱	خام اندیشی و خوری کشی
۱۰۴	فضیلت فرزانی و ردیلت فرومایگی
۱۰۸	نقش عقل و عادت در زندگی
۱۱۲	اندیشه افکنی و عادت شکنی
۱۱۶	جوینده گی علم و پوینده گی زندگی
۱۱۹	دانش بر رسته و دانش بر بسته
۱۲۱	بنیان علم و بنیاد زندگی
۱۲۴	علم بی غش و خدمت بی عوض
۱۲۷	نشانه ی علم و نمادهای زندگی
۱۳۱	تعمیم علم و تعمیق زندگی
۱۳۴	اندیشه ورزی و آزاد اندیشی
۱۳۷	قوت اندیشه و قدرت اندیشه
۱۴۰	اعتلای اندیشه ها و ارتقای اراده ها
۱۴۳	عقل اثربخش و اراده اثرگذار
۱۴۷	هویت عقل و واقعیت زندگی
۱۵۱	همت ها و هدف ها
۱۵۵	کفایت عقل و کیفیت زندگی
۱۵۹	آثار همت ها و هدف ها در زندگی
۱۶۱	ظهور نسل قوی همت
۱۶۳	شکوفایی اندیشه و شیفتگی احساس
۱۶۶	عقل نظام بخش و زندگی نظام مند
۱۷۰	اندیشیدن زمان مند و عمل کردن اثرمند
۱۷۴	خرد ارتباطی و خیر اجتماعی
۱۷۸	ارتباطات عقلانی و فرصت های زمانی
۱۸۲	عقل علت پژوه و زندگی معلول پسند
۱۸۵	جهت مندی عقل و جهش مندی زندگی
۱۸۹	عقل اثربخش و مدارای اثرمند
۱۹۳	ساخت اندیشه و سپهر مدارا
۱۹۷	اندیشه داری و رعایت مندی
۲۰۱	اندیشه افکنی و بن بست شکنی
۲۰۵	عقل زندگی ساز و جهل زندگی سوز
۲۰۹	ذهنیت و ضدیت
۲۱۳	تفکر اثربخش و تضاد اثرگذار
۲۱۷	لگنت اندیشه و عسرت زندگی

۲۲۱.....	اندیشیدن به تضاد ها
۲۲۵.....	تضارب اندیشه ها و نزاید زندگی ها
۲۲۹.....	قدرت عقل و قوت زندگی
۲۳۳.....	تأثیر عقل و تغییر زندگی
۲۳۷.....	تفکر و تأثیر
۲۴۱.....	تصفیه اندیشه و تجلیه عمل
۲۴۴.....	حق نمایی عقل و اثر نمایی عمل
۲۴۷.....	بستگی عقل و خستگی زندگی
۲۴۹.....	ارتفاع عقل و انتفاع زندگی
۲۵۳.....	اوج و حسیض عقل زندگی
۲۵۷.....	برخی از ویژگی های عقل اثربخش

پیش گفتار

زندگی بود و شد و بقا و فایده و خیر و نفع و نیکی و سود و اثر و علم و عمل آدمی است، در مقابل زندگی، مردگی و مرگ است، که نیستی و نبودی و ناشدن و نابینایی و ناشنوایی و ناهمبیدن و بی خاصیتی و بی اثری و بی خیری و بی عا... و بی عملی است؛ زندگی هم ظرف است و هم مظهر، برای هستی و فعالیت و اثربخشی انسان؛ زندگی، ظرف است، یعنی، ابزار و وسیله و واسطه بین انسان و نحوه حضور و ظهور هستی و آثار وجودی و انتحاء اثرها و عمل او است؛ زندگی، موقعیت زمانی و مکانی، یا وضعیت زمانی و زمینی بشری باشد؛ بنابراین، زندگی هم شکل و هیأت و حالت و قالب است، و هم محتوا و مضمون و مقصود این جهان است؛ پس، زندگی هم مسیر رفتن و شدن است و هم محتوا و معنی شناختن و ساختن.

زندگی با زمان و زمانه و تاریخ و اکنون و آینده و وقت و توقیت و حیات وجودی و اثری دارد؛ یعنی، انسان زمانی و مکانی در بستر و فضا و متن و بطن زندگی قرار می گیرد، و زندگی با انسان آغازیدن می کند و جریان می یابد، به تعبیر دیگر، انسان "در" زندگی است، و زندگی "با" انسان است؛ پس، ارزش و ارجمندی و خیر و صلاح و فلاح آدمی، با زمان و مکان و زندگی پیوند خورده است؛ فلذا، چنانکه انسان ها و نسل ها و عصرها و ادوار و ازمه و امکنه و جایگاه ها و اقلیم ها و تاریخ ها و تولدها و تطورها و تحول ها و اوج ها و افول ها و مرگ ها، داریم، همچنین، زندگی ها و حیات ها و زندگانی ها و زیستن ها، داریم؛ مثلا و مصداقا، پاییز و زمستان با بهار و تابستان یکی نیست، گویی، سردی و تاریکی و ظلمت و شب و زمستان و بی تحرکی و بی فعالیت و بی اثری موقت، نماد مردگی و بدون زندگی، و بهار و حرکت و گرمی و حرارت و جنبش و تازه گی و سرسبزی، نماد و نشان زندگی و زنده بودن است. آیا وضعیت و موقعیت زندگی، از حیث زمانی و مکانی، در زمستان و بهار یکسان است؟

آیا حرارت و حرکت با برودت و سکون مساوی و مساوق هستند؟ زندگی یک کیفیت، خاصیت، حالت و وضعیت، ویژه انسان است.

حال پرسش و سؤال بس مهم و حیاتی، مطرح می‌شود: جان و حقیقت و روح و واقعیت زندگی به چیست؟ و از کجا می‌آید و چگونه ریشه می‌دواند و شکوفا می‌شود و سایه و ثمر می‌دهد؟ زندگی، هستی و استی و اثر است، در مقابل نیستی و لیس و لیسیت، یعنی، زندگی ایست و اثرت است در مقابل لیسیت و بی اثری؛ زندگی عرصه ایس و لیس است، ایس، اثرمندی است و لیس، اجل و بی اثری، اثر زنده بودن و زندگی کردن است و اجل پایان زندگی و بی اثری و بی خاصیتی حیات است، ولو موقت و محدود و معین؛ از این روی، اثرمندی عین زندگی است و اجل مندی عین پایان زندگی و مرگ است؛ بنابراین، زندگی و زنده بودن با مردگی و پژمردگی، یکی نیستند.

و ما یستوی الایمان و "الارأت ان الله یسمع من یشاء و ما انت بمسمع من فی القبور." سوره فاطر، آیه ۲۲

و زندگان و مردگان نیز یکسان نیستند؛ که همانا خدا هدایت خویش را به هر که خواهد می‌شنواند و تو چیزی را به کسانی که در آن رسیده‌اند، کنر و جهالت" فرو رفته اند، نمی‌شنوایی.

بدین سان، زنده بودن واقعی و حقیقی در جهان، داشتن و زندگی کردن جان مند و روح دار، با حق و حقیقت نسبت پیدا می‌کند؛ یعنی، زندگان حق پذیر و نقل و ورز و اثربخش اند؛ و مردگان، چه ظاهر و چه باطن، نا عقل ورز و بی عمل و حق ناپذیرند. به عبارت دیگر، بینا و آگاه با نابینا و نا آگاه، یکی نیست؛ پس، جان زندگی از عقل و علم و حق و حقیقت ناشی و سرچشمه می‌گیرد، یعنی، بدون عقل و عمل و حق، زندگی بی جان و بی روح است، این عقل بالقوه و استعداد، از سرشت و فطرت آدمی نشأت می‌گیرد، و داده ی یزدان است، از این آن ریشه و سیات سببه نیک رشد می‌کند و زندگی پر برگ و بر می‌گردد.

پس، عقل و زندگی و هستی و اثربخشی انسان بی فاصله هستند و اجل و مردگی و موجود بودن و اثر دادن و داشتن، با فاصله می‌باشند؛ اساساً، گذشتگان و گذشته و تاریخ و تراش، یعنی، فاصله مندی و بالتجیه، یعنی، نقصان علم و عمل و اثر؛ در حالیکه زندگی انسان، سرتاسر به تجدد و تجدید نیاز دارد، نو شذگی شیوه‌ها و سبک‌ها و روش‌ها و تغییر و دگرگونی و اصلاح و بهبودی، از ماهیت و ذات زندگی ناشی می‌شود، نو شدن و از نو آغاز کردن، واقعیت عینی و عملی و کاربردی و ملموس و مشهود زندگی است، کافی است به دوران کوتاه زندگی خود و محیط پیرامونی خویش، و جامعه و تاریخ و سرگذشت ملل و نحل، نظری افکنیم و عینیت و واقعیت و حقیقت مطلب و موضوع را بالعیان و مستدل در یابیم؛ زندگی، بودن و شدن و فعالیت کردن و بالیدن، شکفتن و رشد کردن و تعالی

جستن در واقع‌ها و واقعیت‌ها است، زندگی در سایه‌ها و غیرواقع‌ها و ظلمت‌ها و ظل‌ها و سموم، ناممکن است، زندگی نیاز به آفتاب و نور و علم و عمل و جرور و حرارت دارد.

زندگی، در منظروف و محتوا

این خود، به چندین نوع و قسم، منقسم می‌شود: یک نوع زندگی معمول و مرسوم و ملموس و مشهود و طبیعی است، که اساس آن ماده و محسوس و ابزارهای خاص مادی و ملموس است، مثل و مصداق، نظر و نگاه ماده گرایان و اصالت مادیون؛ و یک نوع زندگی اصالت بخشیدن به روح و معنا و روح گرایی و جان مندی است، مثل و مصداق، اصالت روح گرایان؛ اما، نحوه دیگری نیز می‌توان به زندگی نگریست و آن را مورد توجه قرار داد، با نگاه عقل اثربخش و زندگی اترمند؛ در این حالت، زندگی، در وضعیت طبیعی خود، اگر در ساحت و سپهر احساس و سطحی اندیشی و صوری عملی، بماند زندگی کم اثر و کم خیر و دارای نقصان ماهوی و حقیقی خواهد بود، یعنی، زندگی اثربخش نخواهد بود. لیکن، اگر آدمی در همین زندگی تولد دوباره یابد و از ساحت احساس و محسوس، به ساحت عقل و معنوی، در حین حفظ قلمرو احساس و محسوس، ارتفاع و ارتقاء یابد، زندگی پر اثر و پر ثمر می‌گردد، در این حالت، ضمن حفظ مزاج معتدل، و صحت ترکیب و ساختمان بدن و اهمیت به نقش تن، به نقش آفرینی اصلی و ماندگار و اثرمند، عقل توجه می‌شود و به جامعیت و کلیت زندگی عنایت و التفات می‌گردد، و نیز، شیوه‌ای، زندگی در مسیر و محتوای عقل و حق قرار می‌گیرد و اثربخش می‌گردد و از امکان و ابزار زندگی ملموس و واقعی بهره مند می‌شود، در چنین زندگی، استعدادها و تیروها و قابلیت‌ها، در اختیار انسان قرار می‌گیرد، و آدمی با این شرایط و شروط زندگی با اثر و ثمر را تجربه می‌کند، پس، هم به ابزارهای امکانات طبیعی و مصنوعی و انسان ساخته‌ی، زندگی محتاجیم، و هم به دل و جان و عقل و حتی نهایت گر و راه شناس و راهنما، حاجت مندیم؛ البته، شرط این زندگی، بیداری و آگاهی و حریت و حقیقت دادن و مصفا کردن عقل و جان است؛ بدین سان زندگی، پر منفعت و پر خیر و برکت و پر باقیات و صالحات می‌شود، و آنگاه بالنده و شکوفنده می‌گردد.

دوره زندگی محدود و معین "از تولد تا مرگ" می‌تواند و شایسته و بایسته است اثربخش و اثر مند باشد به شرطی که، اولاً، صورت و ظاهر و واقعیت عینی آن در الفت با شرایط محیط و در زیست جمعی و روابط اجتماعی، حفظ گردد، ثانیاً، بر موانع و مشکلات و معضلات آگاهی پیدا شود و در رفق و فتق آنها تلاش گردد تا زندگی به شرایط بهتری نایل آید، و ثالثاً و مهمتر از همه، اندیشه ورزی و عمل آوری صورت گیرد، تا زندگی ارتفاع و ارتقاء پیدا کند و اوج و بالندگی و بلندی یابد، در این صورت زندگی اثربخش می‌شود، و سیرت انسانی و عقلانی آدمی، در مقابل صورت و ویژگی حیوانی و احساسی وی تجلی و آشکارگی و تأثیری می‌یابد، عقل اثربخش، جان و حقیقت درون وجودی انسان است که بین روابط و اعمال عنصری و فکری زندگی نسبت ماهوی برقرار می‌کند، نارسایی‌ها

و ناهنجاری‌ها و پریشانی‌ها و نابسامانی‌های زندگی در جوامع گوناگون و ملل مختلف از عدم توجه و شناخت عقل اثربخش و عمل اثرمند، سرچشمه می‌گیرد؛ این نابسامانی و این عدم اثربخشی، در مشرق زمین بیش از مغرب زمین است، شاید، به این دلیل که انتزاعیات و عرفان گرابی‌های خاص و صوفی منشی‌های ویژه و بحث‌های بی حاصل در این خطه از زمین بیش از جاهای دیگر است، یعنی، زندگی یک امر عینی و انضمامی و واقعی و حقیقی است، از این روی، به عقل اثربخش و اثرگذار و علم گرا و عمل ورز نیاز دارد، بنابراین، در ذات و عین و اثر عقل تأثیرگذار، مسأله شناسی و حل مشکلات و رفع مبهمات و گشودن بن بست‌ها و ارایه راه حل‌ها، نهفته و خفته است، پس، دو کار اساسی و بنیادی نیاز مبرم انسان در زندگی می‌باشد، کوشش و کشش، این معنا خصوصا در مطالعه عقل، حکمت مشاء و مشایین بیشتر عیان و آشکار می‌گردد، منظور از کوشش و جدیت، دقیق اندیشیدن و تفکر کردن و تأمل ورزیدن و صحیح عمل کردن و دقت ورزیدن در مهارت‌های زندگی و تجارت زندگانی است، این کوشش و سعی و تلاش فکری و عملی، بنیان زندگی این جهانی انسان است، اما، کنش از بصیرت و تصقیل و صفای دل و جان و صافی ضمیر انسان ناشی می‌شود، یعنی، جان آلوده و صیقل نافته کنشی به سمت و سوی بالا و بلندی و بالندگی نمی‌یابد و ارتفاع و ارتقا نمی‌پذیرد، اینجا محل اصل زندگی و متافیزیک است.

جهان و جامعه امروزین، با سؤالات و پرسش‌ها و مایل و مشکلات عدیده و شدیده مواجه می‌باشد، پرسش‌هایی که با سؤالات دیروزین متفاوت و مختلف است، عقل کهنه و اندیشه قدیمی به معنای حفظ وضعیت انتزاعی و سنتی و بعضا بی اساس و بی منطق و بی دلیل، پاسخگوی پرسش‌ها و مشکلات نمی‌تواند باشد، بنابراین، هم به لحاظ شأن انسانی و اصول شائیت و کرامت آدمی، و هم از جهت حلال مسایل و مشکلات بودن، و هم از علم و عمل نافع به جستن، نیاز به عقل اثربخش و زندگی اثرمند داریم؛ اگر دقیق و عمیق بنگریم، عقل اثربخش، گفت و شنود بیشتری با زندگی می‌تواند داشته باشد، چرا که، عقل اثربخش، هم ریشه در جان و حقیقت نهان جزئیات دارد، و هم ریشه در عمل و عینیت زندگی دارد؛ در واقع، عقل اثربخش، گیرندگی و درک کنشی، واکنش دهنده‌گی و اجرا کنندگی قوی و لازم می‌تواند داشته باشد، که فطرت و حقیقت عقل چنین است؛ باری، عقل ورزی، یعنی در مدار تفکر و تحول و تغییر قرار گرفتن، و اندیشه‌ها را اصلاح کردن و عمل‌ها را دگرگون نمودن، و زندگی را بهتر کردن و بهبود بخشیدن؛ بنابراین، عقل اثربخش و حق، قطب نمای زندگی انسان و انسانیت است، و جهت و هدف اثرمند زندگی را نمایان و نمودار می‌سازد، قطب نمای عقل اثربخش به یاری حق صریح و تعالیم انبیاء و معصومین عظیم با شناخت دقیق راه و رفع موانع و آهن رباهای زندگی، به قدرت و قوت حیات انسانی و اجتماعی، افزون می‌کند؛ و در زندگی شکوفایی و بالندگی و پویایی و پویندگی و گشایش‌ها و رهایش‌های لازم و مفید و اثرمند و خیرآور، به پیش می‌آورد.

در این کتاب "عقل اثربخش و زندگی اثرمند" با نگاهی کوتاه مقاله‌ها و مطالب به طور فشرده و گاه اشارت وار به خصوصیات و ویژگی‌ها و اوصاف و صفات عقل اثربخش و زندگی اثرمند پرداخته شده است؛ به طور طبیعی نظر به جدید بودن نگاه و نگرش پیش نهاده، ادبیات و روش بحث‌ها و استراتژی‌ها و برنامه‌ها و مثال‌ها و مصادیق متفاوت است، به تصور بنده دقت در مباحث و طرح موضوعات و مسایل و مشکلات، و ادراک ژرف اندیشانه در هر یک از مقالات کوتاه و دریافت جان مطلب، می‌تواند در گشایش و رهایش زندگی و ایجاد و تولید و توسعه زندگی اثرمند و عاقبت بین و خیرآور نافع و مفید و مؤثر باشد.

بسیاری از این مقالات کوتاه پیش از این در جراید و مطبوعات، خصوصاً، روزنامه ابتکار و روزنامه همدلی به چاپ رسیده است که جای تشکر و قدردانی از مدیران و مسؤولین آنها دارد؛ قطعاً بررسی و نقد و نظر منطقی و منصفانه و مدد به اثربخشی بیشتر این دیدگاه و بینش، موجب امتنان وافر خواهد بود. خداوند حکیم به حقیقت و نورانیت فکر و قلم و اثر و دل و جان و عمل ما افزون فرماید.

www.ketaboo.ir